

The Policy-Making Implications of Verses 125 to 128 of Surah An-Nahl Regarding the Management of Protests

Asghar Eftekhari¹
Said Naderiasl²

ABSTRACT

Managing protests as a pervasive phenomenon is one of the challenges of policymaking process to which political systems have paid special attention. In the Islamic Republic of Iran, given its Islamic nature, it is necessary for the policymakers to be based on Islamic principles and Sharia sources (book, tradition, consensus and reason). Therefore, the current research seeks to answer the main question "What are the policy-making implications of verses 125 to 128 of Surah An-Nahl for protest management?" and for this purpose, a combination of the methods of interpretation of the Qur'an to the Qur'an and the method of cross-question has been used, in order to obtain policy-making implications while examining verses based on other verses and providing evidence from Qur'anic interpretations. An analysis of 25 codes shows that the principles governing the protest management policy are: 1) Giving priority to the use of interactive methods based on wisdom, 2) Preaching and debate in the better way, the rule of reciprocity, 3) Patience in punishment, and 4) Compliance with moral principles. Based on them, 8 policy implications related to protest management policy were obtained.

KEYWORDS: Protest Management, Policy Making, the Holy Qur'an, Surah An-Nahl.



1- Professor, Department of Political Science, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran, a.eftekhari@isu.ac.ir

2- PhD. student of Political Sociology, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran (corresponding author), Naderiasl@isu.ac.ir





تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸

20.1001.1.27833542.1403.4.1.2.3

10.22034/arq.2024.196975



نوع مقاله: پژوهشی

سیاست‌گذاری مدیریت اعتراض بر اساس آیات شریفه ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره نحل

اصغر افتخاری^۱

سعید نادری اصل^۲

چکیده

هم‌زمان با ظهور و گسترش انواع گوناگون اعتراضات در قالب بخش‌های (اقتشار و طبقات) مختلف به‌عنوان پدیده‌های رایج در جوامع امروزی، نحوه مدیریت نمودن آن‌ها نیز به‌عنوان مسئله‌ای مهم در عرصه سیاست‌گذاری مطرح شده که نظام‌های سیاسی به آن اهتمام ویژه‌ای دارند. در جمهوری اسلامی ایران نیز متأثر از ماهیت اسلامی آن لازم است تا این مسئله از منظر اسلامی مورد توجه قرار گیرد؛ از این رو پژوهش حاضر از رهگذر تفسیر آیات شریفه ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره نحل، در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که «دلالت‌های سیاست‌گذارانه قرآن برای مدیریت اعتراض‌ها چیست؟». برای این منظور از ترکیب روش تفسیر قرآن به قرآن و روش تحلیل محتوا استفاده شده است تا در ضمن بررسی آیات مبتنی بر آیات دیگر و ارائه مؤیدهایی از تفاسیر قرآنی، دلالت‌های سیاست‌گذارانه به دست آمد. تحلیل ۲۵ کد نشان می‌دهد که اصول حاکم بر سیاست‌گذاری مدیریت اعتراض‌ها عبارت‌اند از: اولویت‌بخشی به کاربست شیوه‌های تعاملی مبتنی بر حکمت، موعظه و جدل با شیوه‌های نیکوتر، کاربرد قاعده مقابله‌به‌مثل

۱- استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران، a.eftkhari@isu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

Naderiasl@isu.ac.ir



با توجه به اصل صبر بر عقاب و رعایت اصول اخلاقی در تمامی مراحل مدیریتی. همچنین بر اساس این اصول سه گانه، هشت سیاست در خصوص مدیریت اعتراضات به دست آمده است.

واژگان کلیدی: مدیریت اعتراض، سیاست گذاری، قرآن کریم، سوره نحل.

۱. بیان مسئله

اعتراض به عنوان یک پدیده سیاسی - اجتماعی در جوامع مختلف قابل مشاهده است. این پدیده همواره به صورت متداول در میان نسل های مختلف از نورخ می دهد و در طول زمان فراز و فرودهایی می یابد؛ از همین رو کنترل و مدیریت اعتراض ها یکی از اصلی ترین دغدغه های سیاست گذاران است. از آنجایی که دایره سیاست گذاری در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر شرع و دلایل چهارگانه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) است، پژوهش حاضر درصدد است که مسئله مدیریت اعتراض ها را در قالب شناسایی دلالت های سیاست گذارانه آیات ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره مبارکه نحل مورد بررسی قرار دهد.

اهمیت: موضوع مدیریت اعتراض برای همه دولت ها دارای اهمیت است، نظام سیاسی مستقر در ایران به دلیل ماهیتش و ابتناء آن بر جمهوریت و اسلامیت به صورت توأمان باید در ضمن مدیریت ارتباطات سیاسی میان حاکمیت و مردم، مبانی این ارتباطات را از شرع استخراج نماید تا به این ترتیب بتواند تجلی جمهوریت و اسلامیت باشد. بر اساس این توصیف می توان گفت از آنجاکه پژوهش حاضر به دنبال بهره گیری از مبانی اسلامی در شناخت و تحلیل مدیریت اعتراض ها است، دارای اهمیت نظری و کاربردی است.

ضرورت: در صورتی که پژوهش هایی از قبیل پژوهش حاضر انجام نپذیرد، نظام سیاسی در مقام اجرا مجبور خواهد بود از روش های سکولاری استفاده کند که ابتنائی به ماهیت اسلامی نظام سیاسی نداشته باشد و همین امر می تواند ماهیت نظام را به مخاطره افکند؛ از این رو پژوهش حاضر دارای ضرورت راهبردی است.

اهداف: کمک به ارتقای الگوی مدیریت اعتراض‌ها در کشور، هدف اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد. در همین راستا ترویج پژوهش‌های قرآن پایه جهت تقویت حوزه نظری علوم سیاسی و همچنین تقویت گفت‌وگوهای علوم انسانی اسلامی با استفاده از آموزه‌های قرآنی، دو هدف فرعی پژوهش حاضر است.

سؤال‌ها و فرضیه: پژوهش حاضر فرضیه آزما نیست و بر نظام سؤال‌ها استوار است. پرسش اصلی تحقیق عبارت است از: دلالت‌های سیاست‌گذارانه آیات ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره نحل برای مدیریت اعتراض‌ها چیست؟ سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: انواع اعتراض‌ها بر اساس آیات شریفه مزبور کدام‌اند؟ بازیگران دخیل در اعتراض‌ها بر اساس آیات شریفه ۱۲۵ مورد اشاره کدام‌اند؟ و روش‌های مواجهه با اعتراض‌ها بر اساس آیات شریفه ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره مبارکه نحل کدام‌اند؟

۲. پیشینه پژوهش

منابع اندکی مسئله سیاست‌گذاری در حوزه مدیریت اعتراض‌ها را بررسی کرده‌اند. در این میان تعداد کمتری از پژوهش‌ها منظر اسلامی را برای ورود به بحث انتخاب کرده‌اند. در این بخش به مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط اشاره می‌شود. به‌صورت کلی پژوهش‌های موجود را با توجه به موضوعی که تحلیل نموده‌اند، می‌توان در قالب چهار دسته قرار داد:

الف) پژوهش‌هایی که مبانی مدیریت اعتراض‌ها را بررسی نموده‌اند:

روحی (۱۳۸۹) در پژوهش خود تلاش نموده تا اصولی را برای مدیریت ناآرامی‌های شهری برشمارد. البته نگارنده توضیحی در خصوص روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌های خود بیان نموده و تنها با ذکر سرفصل‌های کنترل خشونت، از بین بردن انسجام معترضین و استفاده از ابزارهای نرم را به‌عنوان اصول مدیریت اعتراض‌ها شهری بسنده نموده است؛ اما عسگری و اسدپور (۱۴۰۱) موضوع دانش امنیتی را محور ورود خود به بحث انتخاب نموده‌اند و ضعف در دانش امنیتی را به‌عنوان یک علت در شکل‌گیری ناآرامی‌های اجتماعی صورت‌بندی کرده‌اند.

ب) پژوهش‌هایی که مدیریت اعتراض‌ها در ایران را بررسی نموده‌اند:

پژوهش‌های ناظر بر نحوه مدیریت اعتراض در ایران از حیث کمی، فراوانی بیشتری دارند. نویسندگان در این متون از رویکردهای مختلفی به موضوع پرداخته‌اند. برای مثال تقوی و همکاران (۱۳۹۹) از منظر جامعه‌شناختی به مدیریت اعتراض‌ها ورود کرده و عملکرد شهروندان تهرانی را مطالعه کرده‌اند. نتیجه تحقیق ایشان نشان می‌دهد که افزایش احساس توانمندی پلیس و دستگاه‌های نظامی در مدیریت اعتراض‌ها، می‌تواند موجب کاهش احتمال وقوع یا تأثیرگذاری اعتراض‌ها شود. رامندی و همکاران (۱۳۹۹) نیز با بررسی ناآرامی‌ها و خشونت‌های سال ۹۷ از منظری «علت‌کاو» به موضوع نگریسته و در نهایت علل شکل‌گیری ناآرامی‌ها را در چهار عنوان ناهنجاری، اختلال، بیماری و تشنج در خویشتن‌داری اجتماعی صورت‌بندی نموده‌اند. نوبخت و همکاران (۱۳۹۹) منظر فرهنگی را انتخاب نموده و نشان داده‌اند که توجه به ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی و الگویابی مدیریتی ذیل آن، راه‌حل اصلی در مدیریت اعتراض‌ها را شکل می‌دهد. در همین راستا خواجه سروی و حسینی (۱۳۹۷) با استفاده از رویکردی راهبردی، تلاش نموده‌اند تا چالش‌های دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی را حل و فصل نمایند.

ج) پژوهش‌هایی که مدیریت اعتراض‌ها توسط پلیس را بررسی نموده‌اند:

کریمی خوزانی و همکاران (۱۳۹۷) اخلاق پلیس در مدیریت اعتراض‌ها را تحلیل نموده و در نهایت چالش‌های اخلاقی پیش روی مدیریت اعتراض‌ها را شناسایی نموده‌اند. احمدوند و همکاران (۱۳۹۱) نیز درصدد بوده‌اند تا با ارائه الگوهایی، مدیریت اعتراض‌ها از سوی پلیس را صورت‌بندی نمایند. وطن‌خواه (۱۳۹۲) با بررسی نمونه تصادفی ۲۰ تایی از ۸۳ کلانتری شهر تهران، عنوان داشته که حضور تمام مدت عوامل کلانتری (در طول اعتراض) بدون دخالت نیروی ضد اغتشاش، مذاکره با اعتراض‌کنندگان و عدم استفاده از راه‌های قهری، در مدیریت اعتراض‌ها بسیار مؤثر است. در نهایت می‌توان به پژوهش دستمالچی (۱۳۸۹) اشاره داشت که با بررسی پیام‌های مندرج در روزنامه‌های اثرگذار در سال‌های ۷۸ و ۸۲، نشان می‌دهد که رفتار پلیس با معترضین به‌ویژه با دانشجویان، در

موضوع‌گیری رسانه‌ها بسیار اثرگذار است.

د) پژوهش‌هایی که مبانی اسلامی و حقوقی مدیریت اعتراض‌ها را بررسی نموده‌اند:

تقوی بجنوردی (۱۳۹۳) به بررسی فرهنگ و گونه‌های اعتراض در قرآن کریم پرداخته و با استفاده از سیره امیرالمؤمنین علیه‌السلام تلاش نموده تا نحوه مواجهه کارگزاران اسلامی با اعتراض‌ها را صورت‌بندی نماید. وی بیشتر تمرکزش را بر بررسی حق اعتراض از منظر قرآن قرار داده و کمتر به موضوع مدیریت اعتراض پرداخته است. عالی‌پور (۱۳۸۶) نیز تلاش نموده تا ابعاد حقوقی اعتراض‌ها را مورد بررسی قرار دهد؛ از این رو به بررسی مواد قانون اساسی مرتبط با اعتراض پرداخته و با ایده اعتراض به‌مثابه یک حق عمومی، گزاره‌هایی را برای پیشگیری از اقدامات غیرقانونی ارائه نموده است. البته ایشان نه در جمع‌آوری و نه در تحلیل داده‌هایش به هیچ روشی استناد نمودند.

در مجموع می‌توان گفت پژوهش حاضر از حیث انتخاب موضوع و همچنین روش تحلیل آیات شریفه، از متون موجود متمایز بوده و می‌توان آن را متمایز از این آثار و مکمل آن‌ها ارزیابی نمود.

۳. مبانی مفهومی و نظری

جهت تعیین منظر درست بهره‌برداری از آیات شریفه، تبیین مبانی مفهومی و نظری تحقیق ضروری است؛ از این رو در ادامه دو مفهوم اعتراض و سیاست‌گذاری بررسی می‌شود:

اعتراض سیاسی: اعتراض در لغت به معنای خرده‌گیری، ایراد و عیب‌جویی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۲: ۲۹۰۹). به صورت کلی اعتراض معنایی سلبی در خود دارد که به نوع مواجهه با شخص یا گروه، سیاست یا برنامه یا موقعیتی اشاره دارد. بر این اساس اعتراض سیاسی رفتاری جمعی است که تمام یا بخشی از جامعه با هدف مخالفت با حاکمیت، انجام می‌دهند (خواجه سروی و حسینی، ۱۳۹۷: ۲۰۳). این رفتار به دنبال تأثیرگذاری بر سیاست عمومی بوده و برهم زنده ثبات سیاسی ارزیابی می‌شود (طالبان، ۱۳۹۹: ۱۵۳). از دیدگاه تخصصی

اعتراض سیاسی انواع مختلفی دارد که در مهم‌ترین تقسیم‌بندی به دو گونه اصلی «مسالمت‌آمیز» و «خشونت‌آمیز» دسته‌بندی می‌شود (حاضری و رفیعی بهابادی، ۱۴۰۱: ۱۵۰). در مجموع می‌توان گفت اعتراض یک رفتار جمعی مسالمت‌آمیز یا خشونت‌آمیز است که جهت مخالفت با حاکمیت توسط بخشی یا تمام جامعه باهدف تغییر سیاست‌های عمومی جاری و یا دخالت در امر سیاسی صورت می‌گیرد. لازم به ذکر است که ریشه «ع رض» ۷۸ مرتبه در قالب ۷۱ آیه شریفه از ۳۵ سوره مبارکه قرآن آمده که هیچ کدام از موارد مزبور به معنای دقیق اعتراض سیاسی که در بالا به آن اشاره شد، نیست (نک. نرم‌افزار نور الأنوار ۳). به همین خاطر محققان بجای تحلیل کلیدواژه «عرض» در قرآن کریم، به تحلیل آیات شریفه‌ای پرداخته‌اند که در بردارنده مضمون اعتراض سیاسی هستند.

سیاست گذاری: سیاست در معنای لغوی به معنی حفاظت، حراست، نگاهداری و حکم راندن بر رعیت به کار برده شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ۹: ۱۳۸۶۵). اندیشمندان هنگام بحث پیرامون ماهیت سیاست گذاری می‌پرسند «چه کسی و چگونه حکومت می‌کند؟» این سؤال مقدمه ورود به سیاست گذاری است (جلیلی قاسم‌آقا، ۱۳۹۷: ۱۰۸). به صورت کلی گفته می‌شود سیاست گذاری شامل مجموعه‌ای انتخاب شده از اقدامات هدفمند کنشگر یا کنشگران در قبال یک موضوع خاص است (اشتریان، ۱۳۸۶: ۲۷) در واقع سیاست گذاری به معنای شکل دادن به عمل و امر سیاسی است (فروزنده و وجدانی، ۱۳۸۸: ۱۸۱)؛ بنابراین می‌توان گفت که سیاست گذاری فرآیندی است که طی آن مسئله، «شناسایی»، «تعیین اولویت» و درنهایت در خصوص آن «با توجه به اصول و شرایط» تصمیم‌گیری می‌شود؛ تصمیمی که موضوع ارزیابی قرار گرفته و به صورت بازخوردی در شناخت ارتقا یافته از مسئله مؤثر است (اشتریان، ۱۳۷۶: ۱۶۷).

۴. روش پژوهش

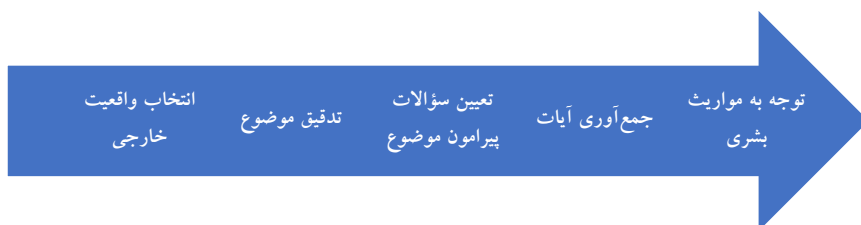
پژوهش حاضر از حیث نوع، مبنایی و از حیث رویکرد محققان، توصیفی تحلیلی است. این پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی قرار دارد و برای گردآوری داده‌ها،

از روش اسنادی استفاده شده است؛ بدین صورت که برای تحلیل داده‌ها از ترکیب سه روش به شرح زیر بهره گرفته شد:

(الف) روش تفسیری قرآن به قرآن: مبنای این روش استفاده حداکثری از آیات دیگر قرآن برای تبیین مراد آیه‌ای دیگر است (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۳۶۱). این روش که داده‌هایش مستند به خود قرآن است (طباطبایی، ۱۳۶۷، ۱: ۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۶۷، ۳: ۷۵)، در مفروضات روشی آن آمده که قرآن هرگز در دلالت خود گنگ نیست (طباطبایی، ۱۳۶۷، ۱: ۱۶۳-۱۶۱) و روایات نیز نقش کمک و تعلیم را در فهم آیات به منزله تدبیر فراهم می‌آورند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ۱۴: ۲۰۵). آیات شریفه مؤید در جدول شماره ۱ بر اساس کاربست همین روش تفسیری ذکر شده است.

(ب) روش استنتاج: در راهبرد استنتاج، تفسیر با تحدید موضوعی و تمرکز بر یک واقعیت خارجی شروع می‌شود (صدر، ۱۳۹۵: ۴۵)؛ بنابراین پیش از آغاز تفسیر بایستی یک موضوع به صورت دقیق مشخص شده باشد تا بتوان در خصوص آن و اطرافش، آیات جمع‌آوری گردد. مفسر برای تبدیل موضوع خود که از یک واقعیت خارجی برآمده است باید سؤال‌هایی را در خصوص موضوع مورد بررسی تنظیم نماید و بر اساس سؤالات به دست آمده تلاش نماید پاسخ‌های جزئی را از قرآن به دست آورد تا به این ترتیب با قرآن وارد گفتگو شود (صدر، ۱۳۹۵: ۴۰-۳۹).

شکل شماره (۱): استنتاج به عنوان راهبرد تفسیری



(منبع: سلطانی و نادری اصل، ۱۴۰۲: ۴۲)

(ج) تحلیل مضمون: در این روش محقق از رهگذر شناسایی مضامین پایه، نسبت به تدوین مضامین سازمانده و در نهایت مضامین فراگیر اقدام می‌نماید که

مبنای تحلیل و ارائه پاسخ تحقیق را شکل می‌دهند.

کاربست روش: در مقام عملیاتی نمودن روش ترکیبی بیان‌شده، گام‌های زیر برداشته شده است:

گام اول تحدید موضوع: در این گام مرزهای مفهومی اعتراض چنان که در این تحقیق مدنظر است، ارائه شده است (ر.ک: مبانی مفهومی و نظری).

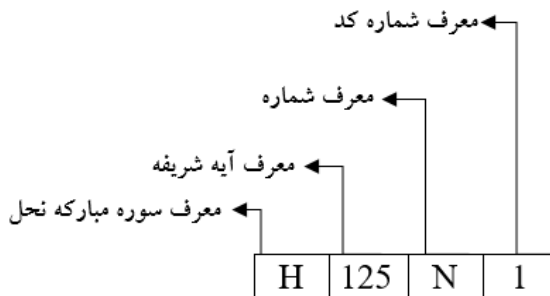
گام دوم انتخاب آیات شریفه: در پژوهش حاضر آیات شریفه ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره مبارکه نحل مدنظر قرار گرفته شده است چراکه ساختار کلی سوره نحل و ظایف پیامبر (ص) در مقابل مخالفان را بیان می‌کند و در آیات ۱۲۵ تا ۱۲۸ این سوره راهبردهایی برای مقابله با مخالفان خرده گیر و توطئه کننده آمده است (خامه گر، ۱۳۹۵: ۳۱) همچنین به گواه تفاسیر مختلف موضوع آیات ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره نحل شیوه‌های مقابله با مخالفان و معترضان را در برمی گیرد (المراغی، ۱۳۷۱، ق، ۱۴: ۱۶۱؛ قرآتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۰). برای مثال آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه در این باره نوشته‌اند: «در پایان این بحث‌ها (در خصوص اهمیت آیات ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره نحل) که پایان سوره «نحل» محسوب می‌شود یک رشته دستورات مهم اخلاقی از نظر برخورد منطقی و طرز بحث، چگونگی کیفر و عفو و نحوه ایستادگی در برابر توطئه‌ها و مانند آن، بیان شده است که می‌توان آن را به‌عنوان اصول تاکتیکی و روش مبارزه در مقابل مخالفین (معترضان) در اسلام نام گذاری کرد و به‌عنوان یک قانون کلی در هر زمان و در همه جا از آن استفاده نمود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۵۵).

گام سوم عرضه سؤال‌ها به آیات ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره مبارکه نحل: در مقام کاربرد روش استنتاج، برای دستیابی به دلالت‌های قرآنی، لازم است تا سؤال‌های تعیین‌شده (فرعی) به آیات مورد بررسی عرضه شود تا مبتنی بر درک تفسیری به دست آمده از آیات، پاسخ‌ها استخراج و در قالب محورهای اصلی صورت‌بندی گردند.

گام چهارم استخراج دلالت‌های سیاست‌گذارانه از محورهای صورت‌بندی شده: در این مرحله دلالت‌های استنباط شده، کدگذاری و در قالب مضامین فراگیر دسته‌بندی و ارائه شده‌اند. در این نظام کدگذاری «H» معرف سوره مبارکه نحل است و عدد قرار گرفته در جلوی آن شماره آیه

موردبررسی را نشان می‌دهد و «N» نیز معرف شماره است و عدد جلوی آن شماره کد استخراج شده را نشان می‌دهد (برای مثال H125N1 نشان‌دهنده کد شماره یک از آیه شریفه ۱۲۵ سوره مبارکه نحل است).

شکل شماره (۲): منطق کدگذاری در پژوهش حاضر



(طراحی شده توسط محققان)

با عنایت به توضیحات ارائه شده می‌توان مراحل کاربست روش ترکیبی بیان شده را به صورت زیر نمایش داد:

شکل شماره (۳): مراحل کاربست روش در پژوهش حاضر



(طراحی شده توسط محققان)

۵. تفسیر و تحلیل مضامین آیات شریفه

آیات انتخاب شده در قالب جداول معنایی زیر قرار گرفته و ضمن شناسایی مضامین آن‌ها در سطح سیاست گذاری، نسبت به تعیین مؤیدات قرآنی برای دلالت‌ها نیز اقدام شده است.

جدول شماره (۱): کدگذاری مضامین آیات ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره مبارکه نحل

کد	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه / آیات مؤید
آیه شریفه: اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَدِينَ (نحل، ۱۲۵)		
موضع شاهد: اذْعُ		
H۱۲۵N۱	ارجحیت تعامل با معترضان	از آنجایی که اولین امر ناظر بر دعوت است پس دعوت معترضان مقدم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۴-۵۳۵)
		(فرقان: ۶۳) (فرقان: ۷۵) (قصص: ۵۴) (قصص: ۵۵)
موضع شاهد: إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ		
H۱۲۵N۲	بنیاد الهی دعوت	دعوت معترضان باید نیت و جهت الهی داشته باشد (قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۱)
		(آل عمران: ۱۷۲) (شوری: ۳۶) (احقاف: ۳۱)
موضع شاهد: اذْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ		

کد	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه / آیات مؤید
H۱۲۵N۳	بخش بندی معترضان	دلالت بر وجود گونه های مختلفی از معترضان دارد که هر گروه / دسته با روشی خاص خطاب می شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۴-۵۳۵؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۱)
		(بقره: ۸۰) (انعام: ۱۴۳) (مریم: ۷۸)
H۱۲۵N۴	تعامل چارچوب مدار	وجود روش های خاص در مخاطب قرار دادن معترضان گواه چارچوب مدار بودن تعامل با ایشان را دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۵۵؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۱)
		(یس: ۷۱)
موضع شاهد: بِالْحِكْمَةِ		
H۱۲۵N۵	تعامل مستدل و علمی	حکمت، تعامل بر پایه استدلال علمی و عقلی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۵۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۵۵)
		(بقره: ۲۳۱)
موضع شاهد: وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ		
H۱۲۵N۶	تعامل مبتنی بر موعظه حسنه	موعظه تعامل مبتنی بر اندرز و یادآوری نیکو است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۵۶-۴۵۵؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۱)
		(سوره مبارکه بقره (۲)، آیه شریفه ۲۶۹) (سوره مبارکه انعام (۶)، آیه شریفه ۱۲۶)

کد	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه / آیات مؤید
موضع شاهد: وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ		
H۱۲۵N۷	تعامل با جدل احسن	جدل احسن مبتنی بر دلیلی عقلی، عاطفی و برهان در پی اسکات مخاطب و منصرف نمودن خصم از موضع نزاعش است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲، صص. ۵۳۵-۵۳۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۵۷-۴۵۶؛ قرآنی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۱)
		(غافر: ۲۸) (ابراهیم: ۱۱)
موضع شاهد: إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَدِينَ		
H۱۲۵N۸	تکلیف‌مداری	در راه دعوت باید متوجه تکلیف بود و نه نتیجه (قرآنی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۱)
		(بقره: ۱۸۷) (بقره: ۲۰۳)
موضع شاهد: وَإِنْ		
H۱۲۶N۱	تأخر اقدام حاکمان و کارگزارانشان	اقدام حاکمان و کارگزارانشان متأخر از اقدام معترضان است (قرآنی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۱)
		(نساء: ۱۴۴) (فرقان: ۳۸)
آیه شریفه: وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ (نحل، ۱۲۶)		
موضع شاهد: وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا		

کد	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه / آیات مؤید
H۱۲۶N۲	تقدم تعامل بر عقاب	عقاب اولین راه نیست و زمانی مطرح خواهد بود که خشونت و عقابی از سوی دشمن وجود داشته باشد (قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۱)
		(نساء: ۱۴۴) (فرقان: ۳۸)
H۱۲۶N۳	عقاب پسینی	عقاب مخالفان پسینی است و ماهیت دفاعی دارد (قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۲)
		(فرقان: ۳۹)
H۱۲۶N۴	صبر بر عقاب	زمان عقاب (مجازات) باید به درستی درک شود، وقتی عقاب (مجازات) لازم می شود که مخالفین خشونت انجام داده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۵۷)
		(احقاف: ۳۵)
H۱۲۶N۵	عقاب متأخر از تعامل	عقاب و تعامل رابطه خطی دارند اگر اولی جواب ندهند آنگاه دومی مطرح می شود (قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۸)
		(احقاف: ۳۵)
موضع شاهد: بِمِثْلِ مَا عَوْفَيْتُمْ بِهِ		
H۱۲۶N۶	عقاب به مثل	عقاب مخالفان باید به مثل باشد، همان اندازه که مخالفان اعمال کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۸؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۲)
		(بقره: ۱۹۴) (حج: ۶۰)

کد	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه / آیات مؤید
H۱۲۶N۷	حق عقاب به مثل	عقاب به مثل یک حق مسلم و قطعی است (قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۲)
		(شوری: ۴۰)
موضع شاهد: لَئِن		
H۱۲۶N۸	اولویت تعامل بر مجازات	عقوبت کردن هم اولویت ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۵۷)
		(احقاف: ۳۵)
موضع شاهد: لَئِن صَبَرْتُمْ لَهٗوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ		
H۱۲۶N۹	ارجحیت صبر بر عقاب	ترجیح صبر بر عقوبت (در صورت فراهم بودن شرایط) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۵۷)
		(احقاف: ۳۵)
H۱۲۶N۱۰	خیر صبر برای مجریان	صبر برای شما خیر دارد و چنین نیست که بحث خیر فقط برای معترضان باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۵۷)
		(احقاف: ۳۵)
آیه شریفه: وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَلٰلٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ (نحل، ۱۲۷)		
موضع شاهد: وَاصْبِرْ		
H۱۲۷N۱	سیاست صبر	صبر یک سیاست برای مواجهه با معترضین است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۹؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۲)
		(آل عمران: ۱۸۶) (سجده: ۲۴)

کد	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه / آیات مؤید
موضع شاهد: صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ		
H۱۲۷N۲	بنیاد الهی صبر	صبر باید نیت و جهت الهی داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۹؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۲)
		(آل عمران: ۱۸۶) (سجده: ۲۴)
موضع شاهد: وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ		
H۱۲۷N۳	راسخ بودن در عمل	در مواجهه با مشکلات و شکست‌های اقدامات باید راسخ بود و کار را استمرار داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۵۹)
		(آل عمران: ۱۳۹) (یونس: ۶۲)
موضع شاهد: وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ		
H۱۲۷N۴	مهار مکرهای آینده	باید صبر پیشه نمود و از بابت مکرهای احتمالی در آینده نگران نبود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۶۰)
		(آل عمران: ۱۴۹) (آل عمران: ۱۵۰)
آیه شریفه: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ (نحل، ۱۲۸)		
موضع شاهد: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا		
H۱۲۸N۱	نصرت الهی	صبر و تقوا، همراهی و نصرت الهی را به دنبال دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۴۶۰؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۵)
		(غافر: ۵۱)

کد	مضامین پایه / آیات مؤید	مضامین سازمان دهنده
موضع شاهد: اتَّقُوا		
H۱۲۸N۲	تقوای الهی در مدیریت اعتراضات با رعایت اصول اسلامی-اخلاقی رقم خواهد خورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۶۰؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ۴: ۶۰۲)	رعایت اصول اسلامی-اخلاقی
	(بقره: ۲۷) (بقره: ۳۵)	
موضع شاهد: وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ		
H۱۲۸N۳	رعایت اصول اسلامی-اخلاقی در مدیریت اعتراضات موجب شکل‌گیری تصویر قدرتمند با تداعی نیکوکاری از مجریان می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۴۶۱)	تقویت تصویر
	(مجادله: ۲۲)	

مطابق جدول شماره ۱ بخش‌های مختلف آیات موردبررسی و کدگذاری قرار گرفتند تا از این‌پس آیات در قالب کدهای اختصاص‌یافته شده و مبتنی بر دلالت‌های اولیه برداشت‌شده مورد تحلیل قرار گیرند.

الف) انواع اعتراض‌ها

آیات موردبررسی نشان می‌دهد که اعتراض‌ها دارای دو نوع است:

نوع اول اعتراض‌هایی که مستوجب عقاب نمی‌شود: نوع اول اعتراض‌های که در آیات موردبررسی مشخص می‌شود، اعتراض‌های است که در مرحله تعامل تمام می‌شود و منجر به ناآرامی و خشونت نمی‌گردد (H۱۲۵N۱، H۱۲۶N۲ و H۱۲۶N۳)، معترضین در مقابل حاکمان و کارگزارانشان قرار می‌گیرند، پس از تعاملی که میان ایشان صورت می‌گیرد، عده‌ای با استدلال‌های منطقی و به‌صورت عقلانی مسئله را متوجه می‌شوند (H۱۲۵N۵)، عده‌ای پذیرش عاطفی خواهند داشت (H۱۲۵N۶)، عده‌ای سکوت پیشه

می نمایند (H۱۲۵N۷) (تفاوت های ناشی از حکمت، موعظه و جدل) و البته عده دیگری قانع نمی شوند و موجب شکل گیری اعتراض ها نوع دوم می شوند (H۱۲۶N۲ و H۱۲۶N۵)؛ بنابراین از منظر قرآن کریم همه اعتراض ها مستوجب عقاب شدید نیستند. شرایطی که از دلالت های استنباطی برمی آید و نشان می دهد که اعتراض مزبور مستوجب عقاب نیست، عبارت اند از:

۱. اعتراض به خشونت و ناآرامی نینجامد (H۱۲۵N۳)،
 ۲. اعتراض در فضای گفتگو میان کارگزاران و معترضان قرار داشته باشند (H۱۲۶N۲)،

۳. معترضین مغرض نباشند و مبنا نقد و بررسی باشد (H۱۲۶N۳)،

۴. در صورت جدال، معترضین نتیجه جدل را بپذیرند (H۱۲۵N۷).

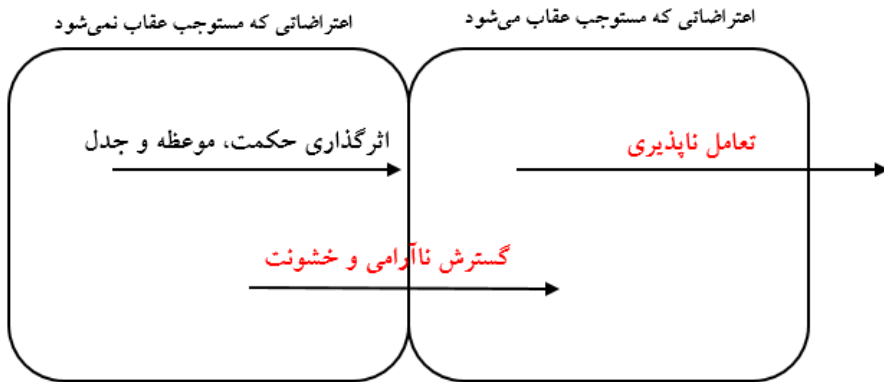
نوع دوم اعتراض های که مستوجب عقاب هستند: معترضینی که در جریان کاربست شیوه های مختلف تعاملی، قانع نشده و خشونت پیشه نموده و به ناآرامی جامعه دامن می زنند، موضوع این نوع از مدیریت اعتراض هستند (H۱۲۶N۳ و H۱۲۶N۵). این افراد به گونه ای رفتار می کنند که تعامل با ایشان مسدود و بی نتیجه می شود (H۱۲۶N۲). در این اعتراض ها ضمن مقابله با حکومت، توطئه های نیز طراحی می شود که جامعه و کارگزاران را به سختی می اندازد (H۱۲۷N۴). در مجموع می توان چنین اظهار داشت که از منظر قرآن کریم اعتراض هایی مستوجب عقاب می شوند که:

۱. معترضین مغرضانه استدلال ها را نپذیرند (H۱۲۶N۳)،

۲. امکان گفتگو میان کارگزاران و معترضین از بین رفته باشد (H۱۲۶N۲)،

۳. معترضین مشغول توطئه کردن علیه حکومت باشند (H۱۲۷N۴).

شکل شماره (۴): انواع اعتراض‌ها بر اساس آیات شریفه ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره مبارکه نحل



(طراحی شده توسط محققان)

ب) بازیگران دخیل در مدیریت اعتراض‌ها

بررسی انواع اعتراض‌ها و توجه به نقش‌ها مختلف نشان می‌دهد که در آیات ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره مبارکه نحل، چهار بازیگر وجود دارد. این بازیگران دارای تمایزات جدی‌اند و آیات به صورت متفاوت هرکدام را مورد بررسی قرار داده است که در ادامه به بیان هرکدام از بازیگران خواهیم پرداخت.

اول امر الهی: در آیات مورد بررسی نقش مهمی برای امر الهی در مدیریت اعتراض‌ها بیان شد است. این موارد عبارت‌اند از:

نصرت الهی: خداوند به کارگزاران می‌فرماید که صبر کنند و وعده می‌دهد که در صورت صبر ایشان، نصرت الهی شامل حالشان شود (H۱۲۸N۱). در واقع خداوند در پی بیان این مطلب که «... وَ لَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ» وعده نصرت الهی می‌دهد: «(وَ اصْبِرْ وَ مَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ)» (H۱۲۷N۲).

پشتیبانی الهی: خداوند متعال در آیات متعددی تصریح دارد که در صورتی که کارگزاران، تقوای الهی پیشه کنند، رعایت اخلاق و اصول اسلامی نمایند، خداوند ایشان از ایشان پشتیبانی خواهد کرد (H۱۲۸N۱، H۱۲۸N۲، H۱۲۷N۲، H۱۲۷N۳ و H۱۲۷N۴).

دوم حاکمان: حاکمان بازیگر دیگری هستند که هم در سخن گفتن و تعامل

با مردم و معترضان نقششان پررنگ است (H۱۲۵N۱)، هم از ایشان خواسته شده صبر و تقوا پیش گیرند (H۱۲۶N۴) و در صورت عقاب معترضان و کافران، دستور به انصاف دهد (H۱۲۶N۶). بازیگری حاکمان در واقع در تعامل با کارگزارانشان، مردم و معترضان بسیار پررنگ است و تصمیمات ایشان به صورت مستقیم در عملکرد کارگزارانشان نیز تأثیرگذار است. می توان گفت که حاکمان (یک) نقش و وظیفه جدی در راهبری کارگزارانشان دارند، (دو) کسانی هستند که نوع اعتراض ها را تعیین می کنند و متناسب با آن تصمیم گیری می نمایند و (سه) ایشان هستند که وظیفه مدیریت ارتباطات سیاسی را دارند و تعیین کننده محتوا و نوع تعامل با معترضان اند.

سوم کارگزاران: نقش اصلی کارگزاران اجرای تصمیم حاکمان است و به همین خاطر ایشان نیز باید با معترضان تعامل داشته باشند. در واقع اصلی ترین وظیفه ایشان تبعیت از حاکمان در رعایت اصول اسلامی و تقوا در مقام مدیریت اعتراض ها در صحنه عملیاتی است (H۱۲۸N۱)؛ بنابراین ایشان نیز متأثر از همین وظیفه اصلی نقش هایی دارند که عبارت است از: (یک) رعایت اصول اسلامی (H۱۲۸N۲)، (دو) تعامل با معترضان (H۱۲۵N۱) و (سه) اتخاذ رویکرد صحیح مقابله با معترضین (H۱۲۵N۳ و H۱۲۶N۲)

چهارم معترضین: در آیه اول از حاکمان و کارگزارانش خواسته شده که با ایشان (معترضین) تعامل شود و با حکمت، موعظه و جدل سخن گفته شود (H۱۲۵N۱). عده ای از معترضین در این تعامل مسیر درست را انتخاب می کنند و از خشونت و ناآرامی پرهیز می نمایند (H۱۲۵N۵، H۱۲۵N۶ و H۱۲۵N۷)؛ اما عده ای هستند که وارد مسیر خشونت آمیز می شوند (H۱۲۶N۳) و در آیات در خصوص نحوه برخورد با ایشان طرح مسئله شده است (H۱۲۶N۷). طبعاً سیاست کلی در مواجهه با معترضینی که خشونت و ناآرامی را انتخاب نموده اند (H۱۲۶N۳)، مبتنی بر تعامل و یا گفتگو بر پایه حکمت، موعظه و جدل نیست (H۱۲۶N۲)؛ بنابراین می توان گفت معترضین نیز از چند طریق در تعیین نوع سیاست اتخاذ شده از سوی حاکمان و کارگزاران مؤثرند که بیانگر نقش آن ها در این موضوع است. این نقش ها عبارت اند از: صورت بندی شکل اعتراض،

اولویت‌دهی به تعامل یا تعارض با نظام و بالاخره انتخاب شیوه مورد نظر برای بیان اعتراض (شیوه‌های مسالمت‌آمیز یا غیر آن).

ج) روش مواجهه با اعتراض‌ها

در آیات ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره مبارکه نحل به اقتضا اعتراض‌های شکل گرفته، روش‌هایی بیان می‌شود که از آنجایی که گفته شد اعتراض‌ها به صورت مرحله‌ای (خطی) تصور می‌شود، روش‌ها نیز مرحله‌ای است. به این معنا که در صورت بی‌تأثیر بودن یک روش نوبت کار بست روش‌های بعدی می‌رسد.

روش‌های مواجهه با اعتراض‌هایی که مستوجب عقاب نمی‌شود:

در قرآن کریم آمده که باید حاکمان و کارگزارانشان با روش‌های تعاملی، وارد گفت‌وگوی با افراد معترض شوند. شیوه‌های مختلفی برای گفت‌وگو مطرح شده (H۱۲۵N۱، H۱۲۵N۳ و H۱۲۵N۴) که عبارت‌اند از: حکمت، موعظه و جدل که هر کدام دارای شاخصه‌ها و کاربردهای متفاوتی به شرح زیر هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۵۳۴)

اول روش تعامل مبتنی بر حکمت: حکمت در معنای لغوی خود به معنی

دعوت همراه با استدلال‌های علمی و عقلی است. این روش دعوتی به سوی حق است و حجتی است که موجب می‌شود هرگونه وهن و ابهامی از بین رود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۵۳۴). از آنجایی که تمام مصادیق حکمت خوب است، این روش باید در ابتدای امر مورد استفاده قرار گیرد (H۱۲۵N۵)، چرا که: (یک) رفع ابهام می‌کند تا به این ترتیب زمینه شایعه از بین برود (H۱۲۵N۵)، (دو) مستدل به نظرات علمی و عقلی است که مورد اجماع عقلاست و می‌توانند مورد استناد قرار گیرند (H۱۲۵N۵) و (سه) این نوع تعامل از رجحان دارد چرا که تمام مصادیقش خوب و مناسب است (H۱۲۵N۵).

دوم روش تعامل مبتنی بر موعظه: موعظه گونه‌ای از دعوت است که به

تشریح کارهای نیک می‌پردازد، به صورتی که مخاطب دچار رقت قلب شود و تسلیم امر گردد، این روش موجب می‌شود نفس مخاطب نرم شود و آماده پذیرش مطالب خیر شود. البته باید توجه شود که همه مصادیق موعظه خوب نیست به همین جهت در آیه شریفه ۱۲۵ سوره مبارکه نحل با «الْحَسَنَةُ» مقید

شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۴). مستند به دلالت‌های به‌دست‌آمده می‌توان گفت که (یک) موعظه جنبه نرم تعامل با معترضین است و رویکردی عاطفی است (H۱۲۵N۶)، (دو) اقسام خوب و بد دارد و قسم خوب آن موردنظر قرآن کریم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۴) و (سه) ظرفیت مخاطب برای پذیرش استدلال‌های علمی و عقلی را افزایش می‌دهد (H۱۲۵N۶).

سوم روش تعامل مبتنی بر جدل: جدل روشی برای نزاع لفظی و غلبه‌جویی است. این روش ظرفیت روشنگری چندانی ندارد و از آن برای منصرف کردن خصم از چیزی که برایش به نزاع بر خواسته استفاده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۴). جدل نیز اقسامی دارد که قرآن با عبارت «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَن» آن را مقید کرده و قسم خوب را مراد کرده است (H۱۲۵N۷)؛ بنابراین جدل (یک) برای منصرف نمودن معترضین از موضع نزاعشان، (دو) ضعیف نمودن موضع اتخاذشده توسط معترضین (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۵۳۴) و (سه) اتمام حجت با معترضان مورد استفاده قرار می‌گیرد (H۱۲۵N۷).

اینکه از کدام شیوه تعامل باید استفاده کرد حسب افراد و شرایط ایشان متفاوت است؛ اما چون به‌صورت کلی همه مصادیق حکمت خوب است باید در ابتدا مورد استفاده قرار گیرد و سپس موعظه با تأکید بر قسم خوبش از میان دو قسمی که شامل می‌شود (خوب و بد) مدنظر باشد و نهایتاً جدل با استفاده از قسم خوبش از میان اقسام سه‌گانه‌اش (خوب، بد و بدتر) مورد استفاده قرار گیرد (H۱۲۵N۳ و H۱۲۵N۴). باید توجه داشت که استفاده از این شیوه‌ها اقتضائی است و می‌توان از هر سه شیوه یا دو شیوه به‌صورت هم‌زمان استفاده کرد (H۱۲۵N۱ و H۱۲۵N۴).

استفاده از قدرت در مواجهه با اعتراض‌هایی که مستوجب عقاب

هستند: زمانی اعتراض مستوجب عقاب می‌شود که تعامل به شیوه‌های سه‌گانه یادشده تأثیرگذار نبوده و معترضین علی‌رغم تمام تعاملات تلاش می‌کنند تا ناآرامی‌ها را گسترش دهند. در این زمان یک گزینه راهبردی باقی می‌ماند که ذیل عنوان «مقابله‌به‌مثل» می‌آید. آیت‌الله خوئی این قاعده را چنین تبیین نموده است: «اگر در حق فردی یا افراد ظلم یا کوتاهی شود، ایشان در دفاع از خود

به‌مثل آنچه بر ایشان گذشته، حق خواهند داشت روا دارند» (خوبی، ۱۴۱۸ ق، ۳۱: ۱۰۱). آیات موردبررسی به حاکمان و کارگزاران اجازه می‌دهد تا در صورت ورود اعتراض به عرصه خشونت، از ابزار «زور» برای مهار اعتراض و صیانت از آرامش جامعه و شهروندان استفاده نمایند (H۱۲۶N۲، H۱۲۶N۳، H۱۲۶N۵ و H۱۲۶N۶). البته کاربرد «زور» با رعایت دو اصل همراه است:

اصل (۱) اولویت صبوری: در آیات شریفه موردبررسی، صبر در مقابل ناآرامی‌ها و خشونت‌های معترضان به حاکمان و کارگزاران توصیه‌شده (H۱۲۷N۱)، هرچند که برای ایشان حق «مقابله‌به‌مثل» لحاظ محفوظ است. دلیل این امر آن است که صبوری دلالت بر قدرت نرم بالای حکومت دارد و می‌تواند ضریب نفوذ سیاست‌های کنترلی را افزایش دهد (H۱۲۶N۴)؛ به همین خاطر است که علامه طباطبایی معتقد است که صبوری دارای «آثار جمیل» است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۵۳۸). البته این صبوری زمانی اثرگذار است که برای خدا باشد (وَ اصْبِرْ وَ مَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ) (H۱۲۶N۴ و H۱۲۷N۲) و موجب ضایع شدن «حق مقابله‌به‌مثل» نیز نشود (H۱۲۶N۷).

اصل (۲) رعایت انصاف: منظور از انصاف آن است که صاحبان قدرت در مواردی که شرایط و مقتضیات اجازه می‌دهد، از ظرفیت‌های قانونی برای کاربست هرچه محدودتر قدرت سخت بهره برده و بدین ترتیب، امکان احیای روش‌های مسالمت‌آمیز را تقویت نمایند (H۱۲۶N۷). همچنین آنکه چنین رعایتی موجب شکل‌گیری تصویری نیکوکار و قوی از مجریان (حاکمان و کارگزارانشان) می‌گردد (H۱۲۸N۳).

د) سیاست‌های حاکم بر مدیریت اعتراض

چنان‌که از بررسی فرآیند مواجهه با اعتراض‌ها برمی‌آید، از دیدگاه قرآن کریم، مدیریت اعتراض به‌صورت مرحله‌ای صورت می‌گیرد. با این تفسیر می‌توان اصول سیاستی‌ای را که راهنمای مدیریت اعتراض در مراحل مختلف آن است، به شرح زیر تبیین نمود:

سیاست (۱) اولویت شیوه‌های مسالمت‌آمیز بر روش‌های قدرت محور: لازم است مدیریت اعتراض به‌صورت مرحله‌ای انجام شود؛ به این معنا

که روش‌های تعاملی و مسالمت‌آمیز دارای اهمیت و اولویت نخست هستند؛ مگر آن‌که نظر و عمل معترضان بر نفی این روش‌ها و ورود به عرصه نزاع و ارتکاب اعمال خشونت‌آمیز باشد (H۱۲۵N۱، H۱۲۶N۲ و H۱۲۶N۷).

سیاست (۲) وجود امکان مناسب برای گفت‌وگو میان حاکمان و کارگزاران با معترضین: گفت‌وگو موجب جلوگیری از گسترده‌گی اعتراض و کمک به مدیریت مؤثر آن می‌شود. برای آنکه بتوان با استفاده از استدلال‌های علمی و عقلی یا عاطفی معترضین را تحت تأثیر قرارداد بایستی امکان تعامل و فرصت آن فراهم باشد. در صورتی که چنین امکانی از بین برود هزینه مدیریت اعتراض بیشتر و مدیریت آن دشوارتر می‌گردد (H۱۲۵N۱، H۱۲۵N۲ و H۱۲۶N۲).

سیاست (۳) تولید و ارائه محتواهای متفاوت به اقتضای حال معترضان: افراد مختلف شرایط متفاوتی دارند؛ برخی نیاز به استدلال‌های عقلی و برخی به موعظه و یادآوری‌های عاطفی دارند نیاز دارند و عده‌ای هم هیچ‌کدام از این‌ها را نپذیرفته و اهل منازعه می‌شوند. از این‌رو لازم است که سیاست‌گذار به فراخور ویژگی‌هایی هر گروه، معترضان را بخش‌بندی نموده و برای هرکدام به تناسب ارائه دیدگاه و طراحی سیاست مقابله‌ای نماید (H۱۲۵N۳، H۱۲۵N۴، H۱۲۵N۵، H۱۲۵N۶ و H۱۲۵N۷).

سیاست (۴) رعایت هم‌زمان تفکیک نقش‌ها و پاسداشت وحدت مدیریتی بین کارگزاران و حاکمان: اگرچه حسب قانون مدیران حاکمیتی و کارگزاران اجرایی نقش‌های مختلفی در مدیریت اعتراض‌ها دارند، اما این به معنای پذیرش دوگانگی در مواجهه با معترضان نیست. برای اینکه رفتار دوگانه‌ای بین مدیران ارشد و کارگزاران اجرایی دیده نشود، لازم است تا کارگزاران در راستای عملیاتی نمودن مصوبات حاکمیتی عمل نموده و وظیفه قانونی خود را به‌صورت کامل انجام دهند. چراکه در صورت بروز دوگانگی، این پدیده به‌سرعت به همه بخش‌های حاکمیت تعمیم داده‌شده و درنهایت به تضعیف موقعیت و توان حاکمیت در مدیریت مناسب و مؤثر اعتراض منتهی می‌شود (H۱۲۵N۴ و H۱۲۸N۲).

سیاست (۵) وجود دقت و سرعت لازم در تفکیک و اعلام نوع

اعتراض: برای آنکه مدیریت اعتراض به صورت مناسب و مؤثر صورت پذیرد، گام نخست آن است که نوع اعتراض به دقت و سرعت مشخص و در دستور کار حوزه مدیریتی و کارگزاران ذی ربط قرار گیرد. در صورتی که گونه شناسی اعتراض درست صورت نپذیرد یا در زمان مقتضی به انجام نرسد؛ طبعاً هزینه‌های مدیریت آن افزایش و میزان تأثیر مدیریت اعتراض کاهش می‌یابد (H۱۲۵N۳ و H۱۲۵N۴).

سیاست (۶) عدم افراط در کار بست قدرت سخت: سیاست‌گذار باید توجه داشته باشد در انتخاب شیوه‌های مقابله زیاد روی نکند و با شدت رفتار معترضان، واکنش خود را تنظیم نماید تا بدین وسیله همیشه معترض ترس ورود به مرحله بعد و افزایش خشونت را داشته باشد (H۱۲۶N۶ و H۱۲۶N۶).

سیاست (۷) تلاش برای جذب معترضان مردد یا پشیمان: تعامل هیچ‌گاه نبایست متوقف شود، چرا که همیشه برای عده‌ای خروج از اعتراض‌های خشن و ورود به گونه مسالمت‌آمیز اولویت خواهد داشت. اگرچه نباید نسبت به عملکرد عناصر وابسته به بیگانگان یا افکار انحرافی معترضان هوادار توسعه خشونت غافل بود؛ اما باید نسبت به افرادی که در مسیر اعتراض دچار تردید شده و یا از عملکرد خشونت‌بار خود پشیمان می‌شوند، بی تفاوت بود. در واقع خروج این افراد از زمره معترضان می‌تواند در تضعیف عملکرد خشن آن‌ها نیز مؤثر باشد (H۱۲۵N۱، H۱۲۶N۲ و H۱۲۶N۵).

سیاست (۸) التزام به رعایت اصول اخلاقی: قرآن کریم حاکمان و کارگزاران را به رعایت اصول اخلاقی در چارچوب حفظ تقوای الهی امر نموده است (H۱۲۵N۱ و H۱۲۸N۱ و H۱۲۸N۲). رعایت این سیاست، تضمینی برای التزام مدیران به اصول اسلامی و شرطی برای برخورداری از نصرت الهی است (H۱۲۸N۱). اگرچه رعایت اخلاق در همه حوزه‌ها ضروری است، اما در حد بحث حاضر، آیات شریفه تصریح دارد که رعایت اصول اخلاقی ضریب نفوذ روش‌های مدیریت اعتراض‌ها را افزایش می‌دهد (H۱۲۸N۲) و از این حیث دارای ارزش راهبردی در سیاست‌گذاری مدیریت اعتراض است.

نتیجه‌گیری

تحلیل آیات ۱۲۵ تا ۱۲۸ سوره نحل مبتنی بر روش تفسیر قرآن به قرآن و تحلیل محتوای به‌دست‌آمده از آن نشان داد که مدیریت اعتراض، فرایندی مرحله‌ای است و سیاست‌های حاکم بر آن نیز تابع شرایط و مقتضیات هر مرحله است؛ بنابراین فهم خطی مدیریت اعتراضات در عین توجه به تغییر مرحله‌های اعتراض و شرایط متأثر از آن امری ضروری است. در مدیریت اعتراضات ملاحظه اصلی رعایت اصول اخلاقی است که در همه شرایط (و هر مرحله) باید مورد توجه قرار گیرد و از این طریق سلامت مدیریت اعتراض تضمین و ضریب نفوذ و اثرگذاری آن افزایش یابد. در ادامه متناسب با نوع اعتراض (مسالمت‌آمیز یا خشونت‌آمیز)، معترضان دسته‌بندی شده و از روش‌هایی چون تعامل مبتنی بر حکمت، موعظه و جدل و درنهایت کاربرد زور در مقابل معترضانی که راه افراط پیشه نموده و در پی توسعه ناامنی هستند با رعایت دو اصل صبوری و انصاف یاد شده است. بر این اساس سیاست‌هایی برای مدیریت اعتراضات به دست آمد؛ در مدیریت اعتراضات لازم است شیوه‌های مسالمت‌آمیز را بر روش‌های قدرت محور ترجیح داد. نباید مدیریت اعتراضات به گونه‌ای باشد که امکان گفت‌وگو میان مدیران و معترضین از بین رود و تولید و ارائه محتوا باید به تناسب بخش‌های مختلف معترضین و به اقتضاء شرایط باشد. همچنین لازم است که التزام به تفکیک میان نقش‌های مدیریتی در هنگامه مواجهه با اعتراضات وجود داشته باشد و در ضمن هوشیاری و سرعت، نوع و مرحله اعتراض تعیین گردد. باید توجه داشت که نباید در کاربست قدرت سخت افراط کرد و همواره تلاش برای جذب معترضان مجدد و پیشمان امری لازم است. به‌منظور تبیین هر چه بهتر این موضوع و تقویت الگوی بومی سیاست‌گذاری مدیریت اعتراضات، پیشنهاد می‌شود دیگر آیات قرآن کریم نیز مورد بررسی قرار گیرد و مبتنی بر آیات مرتبط، پژوهش‌هایی هم‌عرض پژوهش حاضر انجام شود تا به این ترتیب دلالت‌های تکمیلی به‌دست‌آمده و درنهایت بتوان یک نظام‌نامه مدیریتی جامع در این موضوع تدوین نمود.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

- ۱- احمدوند، علی محمد؛ اشراق، حمیدرضا و کریمی خوزانی، علی، (۱۳۹۱)، «مدیریت بحران‌های اجتماعی (اعتصاب، تظاهرات اعتراض آمیز و...) با رویکرد پلیس جامعه محور». نشریه توسعه سازمانی پلیس، ۹(۴۰)، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- ۲- اشتریان، کیومرث، (۱۳۷۶)، «علوم سیاست‌گذاری و دستاوردهای آن برای ایران». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۷(۱۰۶۳)، صص ۱۵۹-۱۷۰.
- ۳- اشتریان، کیومرث، (۱۳۸۶)، سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران، میزان.
- ۴- تقوی بجنوردی، فاطمه، (۱۳۹۳)، فرهنگ و گونه‌های اعتراض در قرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قرآنی مشهد.
- ۵- تقوی، سیدمهدی و همکاران، (۱۳۹۹)، «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به خشونت سیاسی با تأکید بر موفقیت در ناآرامی و کنترل ناآرامی‌ها (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران)»، پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۳(۵۲)، صص ۱۰۹-۱۳۲.
- ۶- جلیلی قاسم‌آقا، امید، (۱۳۹۷)، «سیاست‌گذاری: مفاهیم، الگوها و فرایندها»، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۱(۴)، صص ۱۰۶-۱۱۴.
- ۷- حاضری، علی محمد و رفیعی بهابادی، مهدی، (۱۴۰۱)، «ارزیابی تجربی نظریه‌های رفتار جمعی و کنش جمعی در تبیین پتانسیل اعتراض سیاسی؛ بررسی موردی شهرستان‌های جنوبی استان تهران». جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۹(۲۰)، صص ۱۳۵-۱۶۴.
- ۸- حسن، عالی‌پور، (۱۳۸۶)، «مدیریت حقوقی اجتماعات اعتراض‌آمیز». فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۰(۳۶)، صص ۳۴۹-۳۷۹.
- ۹- خامه‌گر، محمد، (۱۳۹۵)، مجموعه کامل ساختار سوره‌های قرآن کریم، قم، نشر آیه نو.
- ۱۰- خواجه سروی، غلامرضا و حسینی، سیدجواد، (۱۳۹۷)، «دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، نشریه علمی دانش سیاسی، ۱۴(۲۸)، صص ۱۹۹-۲۲۸.
- ۱۱- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸ ق)، موسوعة الامام الخوئی، ج ۳۱، قم، مؤسسه الخوئی الإسلامية.
- ۱۲- دستمالچی، مهدی، (۱۳۸۹)، «کنترل ناآرامی‌های اجتماعی توسط پلیس از نگاه مطبوعات (ناآرامی‌های دانشجویی تهران سال‌های ۸۲ و ۷۸)». پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۳(۴)، صص ۹۷-۱۱۰.
- ۱۳- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، ۱۵ ج، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۴- روحی، نبی‌الله، (۱۳۸۹)، «اصول راهبردی مدیریت ناآرامی‌های شهری»، فصلنامه مطالعات بسیج، ۱۳(۴۶)، صص ۶۳-۸۳.
- ۱۵- سلطانی، اسحاق و نادری اصل، سعید، (۱۴۰۲)، «عوامل برهم‌زننده نظم و ثبات اجتماعی مبتنی بر محور ثبات‌زا (حق) در قرآن کریم»، نشریه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی،

- ۱۴(۷۳)، صص ۳۹-۶۲.
- ۱۶- صدر، سید محمدباقر، (۱۳۹۵)، پژوهش‌های قرآنی، قم، دارالصدر.
- ۱۷- طالبان، محمدرضا، (۱۳۹۹)، «دینداری و پتانسیل اعتراض سیاسی». مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، صص ۱۷۶-۱۴۳.
- ۱۸- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۶۷)، تفسیر المیزان، مترجم ناصر مکارم شیرازی، تهران، رجاء.
- ۱۹- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۰- طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۶)، قرآن در اسلام، قم، بوستان کتاب.
- ۲۱- عسگری، محمود و اسدپور، مجتبی، (۱۴۰۱)، «سوادهای امنیتی مؤثر در پیشگیری از ناآرامی‌ها در ج.ا. ایران»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۷(۵۵)، صص ۶۷-۸۸.
- ۲۲- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۷۹)، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۳- فروزنده، لطف‌الله و وجدانی، فواد، (۱۳۸۸)، «سیاست‌گذاری عمومی چیست؟»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۲۴(۲۷۰)، صص ۱۸۰-۲۰۷.
- ۲۴- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور (۱۰ ج)، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۲۵- کریمی خوزانی، علی؛ غفاری، غلامرضا و عزیزآبادی فراهانی، فاطمه، (۱۳۹۷)، «چالش‌ها و راهکارهای اخلاقی پلیس در مدیریت ازدحام‌های اعتراض آمیز»، نشریه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۳(۱)، صص ۹-۱۷.
- ۲۶- المراغی، احمدمصطفی، (۱۳۷۱ ق)، تفسیر المراغی، بیروت، دارالفکر.
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه (۲۸ ج)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۸- نوبخت، امید؛ سمیعانی، محمد و دعاگویان، داود، (۱۳۹۹)، «مدیریت اعتراض‌ها اجتماعی در ایران: الگوی یابی در فرهنگ عمومی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۶(۵۳)، صص ۱۷-۴۰.
- ۲۹- وطن‌خواه، حمید، (۱۳۹۲)، «بررسی الگوی مدیریت انتظامی در پیشگیری از اعتراض‌ها صنفی»، فصلنامه مدیریت انتظامی، ۸(۴)، صص ۶۰۷-۶۳۷.
- ۳۰- یوسفی رامندی، رسول و یوسفی رامندی، مهدی، (۱۳۹۹)، «راهبردهای پیشگیرانه فعال بحران سیاسی امنیتی مبتنی بر تحلیل ناآرامی‌های سال ۱۳۹۷»، سیاست دفاعی، ۲۸(۱۱۲)، صص ۹۷-۱۲۹.

REFERENCES

* The Holy Quran.

- 1- Ahmadvand, Ali Mohammad; Eshraq, Hamidreza and Karimi Khozani, Ali, (1391), "Managing Social Crises (strike, protest demonstrations, etc.) with a Community-Police Oriented Approach". Journal of Police Organizational Development, 9(40), pp. 113-128.
- 2- Al-Maraghi, Ahmad Mostafa, (1371), Tafsir Al-Maraghi, Beirut, Dar al-Fikr.
- 3- Al-Sadr, Seyed Muhammad Baqer, (1395), Qur'anic Researches, Qom, Dar al-Sadr.
- 4- Amid Zanjani, Abbas Ali, (1379), Basics and Methods of Qur'an Interpretation, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- 5- Asghari, Mahmoud and Asadpour, Mojtaba, (1401), "Effective Security Knowledge in Preventing Riots in J.A." Iran", specialized quarterly of political science. 17(55), pp. 67-88.
- 6- Ashtarian, Kiyoumarth, (1376), Public Policy Making in Iran, Tehran, Mizan.
- 7- Daftmalchi, Mehdi, (1389), "Control of Social Unrest by the Police from the Perspective of the Press (Tehran student unrest in 1378 and 1382)". Research Journal of Police Order and Security, 3(4), pp. 110-97.
- 8- Dehkhoda, Ali Akbar, (1377), Dictionary of Dehkhoda, 15 vols., Tehran, University of Tehran Publishing and Printing Institute.
- 9- Forouzandeh, Lotfollah and Vedjani, Fouad, (1388), "What is Public Policy?", Political Economic Information, 24(270), pp. 180-207.
- 10- Hasan, Aalipour, (1386), "Legal Management of Protesting Communities". Strategic Studies Quarterly, 10(36), pp. 379-349.
- 11- Hazeri, Ali Mohammad and Rafiei Bahabadi, Mehdi, (1401), "Empirical evaluation of the theories of collective behavior and action in explaining the potential of political protest; A case study of southern towns of Tehran province". Sociology of Social Institutions, 9(20), pp. 135-164.
- 12- Jalili Qasimagha, Omid, (1397), "Politicization: Concepts, Patterns and Processes", New Research Approaches in Management and Accounting, 1(4), pp. 106-114.
- 13- Karimi Khozani, Ali; Ghaffari, Gholamreza and Azizabadi Farahani, Fatemeh, (1397), "Challenges and Ethical Solutions of the Police in the Management of Protest Crowds", Ethical Journal in Science and Technology, 13(1), pp. 17-9.
- 14- Khaje Sarvi, Gholamreza and Hosseini, Seyed Javad, (2017), "Dual Political Protest and Political Stability in the Islamic Republic of Iran", Scientific Journal of Political Science, 14(28), pp. 228-199.
- 15- Khamegar, Mohammad, (1395), A Complete Collection of the Structure of the Surahs of the Holy Qur'an, Qom, Ayeh Now publication.
- 16- Khoei, Seyyed Abul Qasem, (1418 AH), Al-Imam al-Khoei Encyclopedia, vol. 31, Qom, Al-Khoei Islamic Foundation.
- 17- Makarem Shirazi, Naser, (1371), Tafsir Nomooneh (28 vols.), Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiya.
- 18- Nobakht, Omid; Samiiyani, Mohammad and Doagovian, Daoud, (1399), "Manag-

- ing Social Protests in Iran: Pattern Finding in Public Culture”, Political Science Quarterly, 16(53), pp. 17-40.
- 19- Ashtarian, Keyomars, (1376), “Political Science and its Achievements for Iran”, Journal of Faculty of Law and Political Sciences. 37(1063), pp. 159-170.
- 20- Qeraeti, Mohsen, (1388), Tafsir Noor (10 vols.), Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur’an.
- 21- Rouhi, Nabiyollah, (1389), “Strategic Principles of Urban Unrest Management”, Basij Studies Quarterly, 13(46), pp. 63-83.
- 22- Soltani, Ishaq and Naderi Asl, Saeed, (1402), “Disruptive Factors of Social Order and Stability based on the Stabilizing Axis of Truth in the Holy Qur’an”, Scientific Journal of Political and International Approaches, 14(73), pp. 39-62.
- 23- Tabatabai, Seyed Muhammad Hussein (1396), Quran in Islam, Qom, Bostan Ketab.
- 24- Tabatabai, Seyed Muhammad Hussein, (1374), Tafsir al-Mizan, translated by Mohammad Bagher Mousavi, Qom, Islamic Publishing House.
- 25- Taliban, Mohammad Reza, (1399), “Religiosity and the Potential of Political Protest”. Iranian Social Issues, 11(1), pp. 143-176.
- 26- Taghavi Bojnordi, Fatemeh, (1393), Culture and Types of Protest in the Quran, Master’s Thesis, Mashhad University of Quranic Sciences.
- 27- Taghavi, Seyed Mehdi et al., (1399), “Sociological Explanation of Factors Affecting the Tendency to Political Violence with an Emphasis on Success in Riot Control (case study: citizens of Tehran)”, Law and Security Research Journal, 13 (52), pp. 109-132.
- 28- Watankhah, Hamid, (1392), “Investigation of the Pattern of Disciplinary Management in Preventing Trade Union Protests”, disciplinary management quarterly, 8(4), pp. 607-637.
- 29- Yousefi Ramandi, Rasoul and Yousefi Ramandi, Mahdi, (1399), “Active Preventive Strategies of the Political and Security Crisis based on the Analysis of the Unrest of 2018”, Defense Policy, 28(112), pp. 129-97.